سیاست

سونامی تغییرات ژئوپولتیک غرب آسیا، انتخابات اسراییل و امریکا را در خود بلعید

مشاور رهبر معظم انقلاب در امور بین‌الملل خاطرنشان کرد: دومینوی بحران‌ها از غزه تا دریای سرخ و از لبنان تا عراق نشان داد که امنیت منطقه تقسیم‌پذیر نیست.

علی اکبر ولایتی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: حالا که همه درباره نظم جدید غرب آسیا صحبت می‌کنند باید توجه داشت که ایران پلی میان خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز و دریای عمان است. هر کریدور انرژی یا ترانزیتی که بخواهد ما را دور بزند؛ یا گران تمام می‌شود یا ناپایدار خواهد بود. وی همچنین نوشت: دومینوی بحران‌ها از غزه تا دریای سرخ و از لبنان تا عراق نشان داد امنیت منطقه تقسیم‌پذیر نیست، «یا امنیت جمعی محقق می‌شود یا همه‌نامنی جمعی را تجربه می‌کنند.»

ولایتی در توییت دیگری خاطرنشان کرد: سونامی تغییرات ژئوپولتیک غرب آسیا، انتخابات اسراییل و امریکا را در خود بلعید. نتیجه این شد: «اکنون ایران یکی از معماران اصلی نظم منطقه است؛ واقعیتی نه حذف شدنی و نه جایگزین‌پذیر.»

علی اصغر فانی در گذشت

وزیر پیشین آموزش و پرورش درگذشت. علی اصغر فانی وزیر پیشین آموزش و پرورش درگذشت. فرج کمیجانی، دبیر کل مجمع فرهنگیان ایران اسلامی با انتشار پیامی درگذشت علی اصغر فانی را تسلیت گفت.

متن این پیام به شرح زیر است:

خبر درگذشت استاد ارجمند، جناب آقای دکتر علی‌اصغر فانی، وزیر اسبق آموزش‌وپرورش و از چهره‌های فرهیخته و اثرگذار عرصه تعلیم و تربیت کشور، موجب تأثر و اندوه عمیق شد.

ایشان از مدیران و خدمتگزارانی بودند که بخش مهمی از عمر خود را در مسیر اعتلای نظام تعلیم و تربیت، خدمت به فرهنگیان و ارتقای جایگاه آموزش‌وپرورش سپری کردند. دانش، تجربه، منش حرفه‌ای و تلاش‌های ارزشمند آن مرحوم، یادگاری ماندگار در حافظه جامعه فرهنگیان و خانواده بزرگ آموزش‌وپرورش خواهد بود.

«علی اصغر فانی در سال ۱۳۳۳ در شهر تهران به دنیا آمد. او دانش‌آموخته دوره دکترای رشته مدیریت دولتی از دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیات علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس بود. علی اصغر فانی همچنین مدیر کلی چندین دوره آموزش متوسطه آموزش و پرورش و سابقه وزارت در دولت‌های نهم و یازدهم را در کارنامه خود دارد.»

محمدرضا عارف، معاون اول رییس جمهور، در پیامی با تسلیت درگذشت دکتر علی اصغر فانی، وزیر اسبق آموزش و پرورش، از سال‌ها تلاش و خدمات وی در عرصه تعلیم و تربیت کشور تجلیل کرد.

عارف اهتمام مرحوم فانی به ارتقای جایگاه آموزش و پرورش و تربیت نسل‌های آینده ایران را ارج نهاد.

متن پیام محمدرضا عارف، معاون اول رییس جمهور، به این شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

خبر درگذشت جناب آقای دکتر علی اصغر فانی، وزیر اسبق آموزش و پرورش و از مدیران باسابقه و خدمتگزار عرصه تعلیم و تربیت کشور، موجب تأثر و اندوه فراوان شد. آن مرحوم از جمله چهره‌هایی بود که بخش عمده‌ای از عمر و توان خویش را در مسیر خدمت به نظام آموزش و پرورش، ارتقای جایگاه تعلیم و تربیت و اعتلای دانش و فرهنگ این سرزمین صرف کرد. سال‌ها حضور در مسوولیت‌های مختلف آموزشی و مدیریتی، از مدرسه تا عالی‌ترین سطوح مدیریت آموزش و پرورش کشور، گواه دلبستگی و اهتمام ایشان به آینده فرزندان ایران و نقش بنیادین آموزش در پیشرفت و توسعه کشور بود. اینجانب فقدان این خدمتگزار عرصه تعلیم و تربیت را به خانواده محترم ایشان، همکاران و همراهان آن مرحوم و جامعه بزرگ فرهنگیان کشور تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای آن فقید سعید، رحمت و مغفرت واسعه الهی و علو درجات و برای بازماندگان، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.

اگر دشمن کمترین خطایی مرتکب شود سیلی جانانه‌ای می‌خورد

خطیب این هفته نماز جمعه تهران گفت: به ملت ایران بشارت می‌دهم نیروهای مسلح ایران اعم از ارتش و سپاه و نیروی انتظامی به این باورند که اگر دشمن کمترین خطایی مرتکب شود این نیروهای باورمند، سیلی جانانه‌ای بر آنان خواهند نواخت.

آیت‌الله سیداحمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه تهران با طرح این سوال که پیامبر اسلام در مقابله با تهدیدها چه برخوردی داشت، گفت: تهدید مال امروز نیست که یک دیوانه از آن طرف عالم بنشیند و بگوید ایران را به عصر حجر برمی‌گردانم و غلطی هم نتواند کند؛ تهدید سابقه‌دیرینه‌دار دو پیغمبر هم تهدیدشدند. وی با طرح این پرسش که پیامبر اسلام چطور با تهدید برخورد کردند، ادامه داد: برخورد اول این بود که پیامبر سرمایه باور را به میدان آوردند؛ باور به خدا و اینکه او حامی ماست و ما را تنها نمی‌گذارد و نگهبان ما اوست. این سرمایه مهم ما در برخورد با استکبار هم هست. سرمایه‌ای که نقش مهمی در پیروزی ملت ایران دارد. ما تنها نیستیم و خدا را داریم. همه انبیا سرمایه‌شان این بوده است. این سرمایه محوری امام راحل بود که یک انقلاب را ایجاد کرد. امام شهید هم با همین سرمایه انقلابمان را به ۴۷ سالگی رساندند.

خاتمی ادامه داد: دومین اقدام پیامبر این بود که فرمودند در این جنگ نیروهای باورمند به میدان بیایند. به شما ملت ایران بشارت می‌دهم نیروهای مسلح ایران اعم از ارتش و سپاه و نیروی انتظامی به این باورند و اگر دشمن کمترین خطایی مرتکب شود این نیروهای باورمند، سیلی جانانه‌ای بر آنان خواهند نواخت.

وی در خطبه‌های دوم نماز جمعه نیز اظهار کرد: هفته گذشته هفته نفرت ایران و جهان از امریکا بود؛ این شعار ۴۷ ساله عملا در امریکا سر داده شد و فریاد «مرگ بر امریکا» بلند شد. زلزله‌ای در امریکا اتفاق افتاد و جمهوری‌خواهان با مغز زمین خوردند و این پیروزی بزرگی برای ملت بزرگ ایران بود.

خطیب موقت نماز جمعه تهران افزود: در ایران نیز برای مراسم ۱۳ آبان در ۹۰۰ شهر کشور راهپیمایی صورت گرفت و در همه این ۹۰۰ شهر ذکر شان «مرگ بر امریکا» بود. ۱۳ آبان ۱۳۵۸ تسخیر لانه جاسوسی، دست‌اندازی امریکا را در منطقه قطع کرد. ۱۳ آبان ۱۴۰۵ ان‌شاءالله قلم امریکا در منطقه خواهد شکست. شعار مرگ بر امریکا بر گرفته از قرآن است و یک امریکا ظالم است؛ و دیگر اینکه سران امریکا مفسد فی‌الارض و سیاستمدارانش دروغگو هستند.

معیشت مردم در انتظار بودجه ۱۴۰۶

اقتصاد ایران با چه چشم‌اندازی وارد سال آینده می‌شود؟



با نزدیک شدن به زمان ارایه لایحه بودجه سال ۱۴۰۶، نگرانی درباره وضعیت معیشت خانوارها و چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال آینده بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد کشور در ماه‌های اخیر مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان را تجربه کرده؛ از تبعات جنگ و نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی گرفته تا تورم بالا، افزایش قیمت ارز، رشد نقدینگی، دشواری‌های تولید و کاهش قدرت خرید خانوارها. در چنین شرایطی، اگرچه دولت در دوره‌ای دشوار و همراه با محدودیت‌های متعدد توانسته است اداره امور کشور را ادامه بدهد، اکنون پرسش مهم‌تری پیش روی سیاست‌گذاران قرار دارد: اقتصاد ایران با چه برنامه‌ای قرار است وارد سال ۱۴۰۶ شود و در این میان، چه تدبیری برای حفاظت از معیشت مردم اندیشیده شده است؟

بودجه سال آینده در شرایطی تدوین می‌شود که بخش قابل توجهی از خانوارهای ایرانی با افزایش هزینه‌های زندگی مواجه‌اند. بالا رفتن قیمت کالاهای اساسی، مسکن، خدمات و هزینه‌های روزمره، در کنار کاهش قدرت خرید درآمدهای ثابت، فشار قابل توجهی بر سبد مصرفی خانوارها وارد کرده است. افزایش نرخ ارز نیز به‌واسطه اثرگذاری بر هزینه واردات، مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و انتظارات تورمی، می‌تواند دامنه این فشارها را گسترده‌تر کند. در چنین فضایی، حتی افزایش‌های اسمی دستمزد و درآمد نیز لزوما به معنای بهبود واقعی وضعیت معیشتی نیست؛ چراکه اگر سرعت رشد قیمت‌ها از افزایش درآمدها بیشتر باشد، قدرت خرید مردم همچنان کاهش پیدا می‌کند. این وضعیت در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که اقتصاد ایران هنوز با پیامدهای جنگ و نااطمینانی‌های ناشی از آن روبرو است. جنگ علاوه بر هزینه‌های مستقیم و فشار بر منابع عمومی، بر انتظارات فعالان اقتصادی، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، تولید و بازار ارز نیز اثر می‌گذارد. بنگاه‌های اقتصادی برای برنامه‌ریزی به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارند، اما در شرایطی که چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی به‌عدم قطعیت همراه است، تصمیم‌گیری برای تولید، تأمین مواد اولیه و حفظ اشتغال دشوارتر می‌شود. در سوی دیگر، خانوارها نیز در شرایط نااطمینانی معمولا با احتیاط بیشتری هزینه می‌کنند و تلاش دارند منابع محدود خود را برای نیازهای ضروری حفظ کنند. با وجود این دشواری‌ها، نمی‌توان از تلاش دولت برای اداره کشور در دوره‌ای با فشارهای کم‌سابقه چشم‌پوشی کرد. حفظ جریان خدمات عمومی، پیگیری امور اجرایی، مدیریت نیازهای روزمره کشور و تلاش برای استمرار فعالیت‌های اقتصادی در شرایط جنگی، مسوولیتی سنگین بوده است. با این حال، اداره کشور در شرایط بحران و برنامه‌ریزی برای عبور از بحران، در سطح متفاوت از مسوولیت حکمرانی هستند. اکنون که دولت در آستانه تدوین بودجه سال ۱۴۰۶ قرار دارد، انتظار می‌رود علاوه بر مدیریت محدودیت‌های جاری، تصویری روشن از مسیر اقتصاد در سال آینده ارائه کند؛ تصویری که در آن وضعیت معیشت خانوارها، کنترل تورم، حمایت از تولید و جلوگیری از تشدید فشارهای اقتصادی جایگاهی محوری داشته باشد.

بودجه ۱۴۰۶ آزمونی برای سیاستگذاری اقتصادی

لایحه بودجه سال ۱۴۰۶ صرفا سندی برای تعیین درآمدها و هزینه‌های دولت نیست؛ این لایحه می‌تواند جهت‌گیری اقتصادی کشور در سال آینده را مشخص کند. نحوه تأمین منابع، میزان اتکا به درآمدهای پایدار، سیاست‌های ارزی، شیوه تأمین کسری بودجه، اولویت‌های هزینه‌ای و نحوه حمایت از خانوارها، همگی بر وضعیت اقتصادی مردم اثر مستقیم خواهند داشت. به همین دلیل، نگرانی اقتصاددانان تنها به میزان منابع و مصارف دولت محدود نیست؛ مساله اصلی این است که تصمیم‌های بودجه‌ای چه پیامدی برای تورم، اشتغال، تولید و قدرت خرید مردم خواهند داشت.

یکی از نگرانی‌های مهم در این زمینه، احتمال تداوم سیاست‌هایی است که در سال‌های گذشته نتوانسته‌اند مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را برطرف کنند. فرشاد مومنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در جلسه موسسه مطالعات دین و اقتصاد با عنوان «خطاها و فریب‌های مستتر در تصلب و پایداری سیاست‌های اقتصادی بحران‌ساز در ایران معاصر» با انتقاد از تداوم برخی جهت‌گیری‌های اقتصادی، نسبت به تکرار راهکارهایی هشدار داده است که به اعتقاد او پیش‌تر نیز آثار نامطلوب خود را بر اقتصاد کشور نشان داده‌اند.

مومنی معتقد است مساله تنها انتخاب یک سیاست اقتصادی اشتباه نیست، بلکه اصرار بر ادامه سیاست‌هایی است که ناکارآمدی آنها در عمل آشکار شده است. از نگاه او، تداوم این وضعیت را باید در پیوند با اقتصاد سیاسی تصمیم‌ها بررسی کرد؛ زیرا هر تصمیم اقتصادی که به نام حکومت اتخاذ می‌شود، گروه‌هایی را منتفع و گروه‌هایی را متضرر می‌کند. بنابراین، برای ارزیابی عملکرد سیاست‌های اقتصادی باید مشخص شود چه کسانی از آنها سود برده‌اند و هزینه‌های اجرای آنها بر دوش کدام گروه‌های اجتماعی قرار گرفته است. این نگاه در آستانه تدوین بودجه سال آینده اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر قرار باشد محدودیت منابع دولت بهانه‌ای برای تکرار سیاست‌های تورم‌زا، افزایش فشار بر تولیدکنندگان یا انتقال هزینه تصمیم‌ها به خانوارها شود، نتیجه آن می‌تواند تشدید مشکلات معیشتی باشد. در مقابل، بودجه‌ای که بر اساس شناخت دقیق از ریشه‌های تورم، رکود، نابرابری و ضعف تولید تدوین شود، امکان بیشتری برای مدیریت بحران و کاهش فشار بر جامعه خواهد داشت.

تورم و نقدینگی فشار مستمر بر قدرت خرید خانوارها

تورم بالا یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که وضعیت معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در شرایط تورمی، خانوارها برای تأمین همان سطح از نیازهای قبلی خود به منابع مالی بیشتری احتیاج دارند. این مساله به‌ویژه برای حقوق‌بگیران، بازنشستگان و خانوارهایی که درآمد ثابت یا محدود دارند، دشوارتر است؛ زیرا درآمد آنها معمولا با سرعتی متناسب با افزایش هزینه‌های زندگی رشد نمی‌کند.

از سوی دیگر، افزایش نقدینگی در اقتصادی که با محدودیت‌های تولیدی و نااطمینانی‌های گسترده روبه‌رو است، می‌تواند فشارهای تورمی را تشدید کند. اگر رشد نقدینگی با افزایش متناسب تولید کالا و خدمات همراه نباشد، منابع پولی بیشتر در تعقیب حجم محدودی از کالاها و خدمات قرار می‌گیرند و زمینه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها فراهم می‌شود. به همین دلیل، سیاستگذاری بودجه‌ای و پولی باید به گونه‌ای باشد که تأمین هزینه‌های دولت به افزایش مستمر فشارهای تورمی منجر نشود.

یکی از نگرانی‌های جدی در تدوین بودجه سال آینده، نحوه تأمین منابع و مدیریت کسری بودجه است. اگر دولت برای جبران کمبود منابع به روش‌هایی متوسل شود که در نهایت به رشد پایه پولی و نقدینگی منجر شوند، هزینه این تصمیم‌ها می‌تواند در قالب تورم به کل جامعه منتقل شود. در این حالت، حتی اگر منابعی برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر اختصاص داده شود، افزایش قیمت‌ها ممکن است بخش قابل توجهی از اثر حمایتی آن را از بین ببرد.

مومنی نیز در تحلیل خود بر ضرورت بررسی پیامدهای سیاست‌های اقتصادی بر زندگی مردم تأکید می‌کند. از نگاه او، سیاست‌های تورم‌زا فقط هزینه خرید کالاها و خدمات را افزایش نمی‌دهند، بلکه از مسیر ارتباط تورم و بیکاری می‌توانند امنیت شغلی نان‌آوران خانوارها را نیز تهدید کنند. در واقع، فشار اقتصادی تنها به کوچک شدن سفره خانوار محدود نمی‌شود؛ ممکن است هم‌زمان با افزایش هزینه‌ها، فرصت‌های شغلی نیز کاهش پیدا کنند و خانوارها از دو جهت با مشکل مواجه شوند.

افزایش قیمت ارز و نگرانی از تکرار شوک‌های اقتصادی

بازار ارز یکی از مهم‌ترین نقاط حساس اقتصاد ایران است. افزایش نرخ ارز، به‌خصوص در شرایطی که انتظارات تورمی بالا و فضای اقتصادی با نااطمینانی همراه است، می‌تواند آثار خود را در بخش‌های مختلف اقتصاد نشان دهد. بخشی از کالاهای مصرفی، مواد اولیه، تجهیزات و نهاده‌های تولید به واردات وابسته‌اند و تغییرات نرخ ارز بر هزینه تأمین آنها اثر می‌گذارد. حتی در مواردی که کالا به‌صورت مستقیم وارداتی نیست، وابستگی تولیدداخلی به مواد اولیه و قطعات خارجی می‌تواند افزایش نرخ ارز را به قیمت تمام‌شده محصولات منتقل کند.

این مساله در اقتصادی که تولیدکنندگان آن با محدودیت منابع مالی، دشواری تأمین مواد اولیه و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان مواجه‌اند، اهمیت بیشتری دارد. افزایش هزینه تولید از یک سو و کاهش توان خرید مردم از سوی دیگر، می‌تواند فعالیت بنگاه‌ها را با مشکل روبه‌رو کند. بنگاه‌هایی که نمی‌توانند افزایش هزینه‌ها را به قیمت محصول منتقل کنند، با کاهش حاشیه سود مواجه می‌شوند و در صورت تداوم شرایط ممکن است تولید یا اشتغال خود را کاهش دهند. در مقابل، انتقال کامل هزینه‌ها به مصرف‌کننده نیز به معنای افزایش بیشتر فشار بر خانوارهاست.

فرشاد مومنی در بخش پایانی سخنان خود با اشاره به در پیش بودن بودجه ۱۴۰۶، نسبت به احتمال تکرار سیاست‌های تورم‌زا و افزایش نرخ ارز ابراز نگرانی کرده است. از نگاه او، بررسی مسائل اقتصادی نباید صرفا از زاویه کمبود منابع دولت یا شرایط جنگی انجام شود؛ بلکه باید مشخص باشد تصمیم‌های اقتصادی چه اثری بر زندگی مردم و فعالیت تولیدکنندگان دارند. به بیان دیگر، شرایط دشوار کشور نباید به مجوزی برای نادیده گرفتن پیامدهای معیشتی سیاست‌ها تبدیل شود. افزایش نرخ ارز ممکن است در کوتاه‌مدت برای برخی بخش‌های اقتصادی یا گروه‌های برخوردار از دارایی‌های ارزی منافع ایجاد کند، اما آثار آن بر زندگی بخش بزرگی از جامعه متفاوت است. خانوارهایی که درآمدشان به ریال است، در برابر افزایش قیمت کالاها و خدمات ناشی از نوسانات ارزی قدرت دفاع محدودی دارند. از همین رو، سیاست ارزی سال آینده باید به‌جای اتکا به شوک‌های قیمتی و تغییرات ناگهانی، بر پیش‌بینی‌پذیری، کاهش نااطمینانی و حمایت از تولید و مصرف خانوارها متمرکز باشد.

هشدار درباره تعمیق فقر و محدود شدن شفافیت آماری

یکی از بخش‌های مهم سخنان مومنی، هشدار درباره ابعاد فقر و ضرورت انتشار اطلاعات مربوط به وضعیت معیشتی جامعه است. او با اشاره به اظهارات سخنگوی دولت درباره وجود منع امنیتی برای انتشار آمار فقر در سال ۱۴۰۴، تأکید کرده است که محدود کردن انتشار اطلاعات نمی‌تواند مساله فقر را برطرف کند. به اعتقاد او، اگر گستره و عمق فقر به مرحله‌ای رسیده که انتشار آمار آن با محدودیت روبرو شده است، باید بیش از هر زمان دیگری منشأهای ایجاد این وضعیت بررسی شود. مومنی با استناد به گزارش سازمان برنامه و بودجه در پیوست لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، از روند نگران‌کننده گسترش و تعمیق فقر سخن گفته است. از نگاه او، در چنین شرایطی باید به‌جای محدود کردن داده‌ها، امکان بررسی کارشناسی و گفت‌وگوی عمومی درباره سیاست‌هایی فراهم شود که به ایجاد این وضعیت منجر شده‌اند. مساله فقر صرفاً یک شاخص آماری نیست؛ این مساله مستقیماً با دسترسی مردم به غذا، مسکن، آموزش، سلامت و سایر نیازهای اساسی ارتباط دارد. برای برنامه‌ریزی بودجه‌ای نیز شناخت دقیق وضعیت فقر ضروری است. دولت نمی‌تواند بدون اطلاع از ابعاد فقر، گروه‌های آسیب‌پذیر و میزان فشار هزینه‌های زندگی بر دهک‌های مختلف، سیاست حمایتی موثری طراحی کند. انتشار داده‌های معتبر و به‌روز به سیاست‌گذار کمک می‌کند منابع محدود را به گروه‌هایی اختصاص دهد که بیشترین آسیب را از تورم، بیکاری و رکود اقتصادی دیده‌اند.

این موضوع در شرایطی اهمیت دارد که منابع عمومی کشور با محدودیت روبرو است. حمایت معیشتی بدون شناخت دقیق از نیاز خانوارها ممکن است به توزیع نامتوازن منابع منجر شود. در مقابل، شفافیت آماری می‌تواند مبنایی برای هدفمند کردن حمایت‌ها، ارزیابی عملکرد سیاست‌ها و اصلاح مسیر تصمیم‌گیری باشد.

تولید؛ حلقه‌ای که ضعف آن به معیشت مردم بازمی‌گردد

بخش دیگری از تحلیل مومنی به ارتباط میان سیاست‌های اقتصادی، وضعیت تولید و افزایش وابستگی اقتصاد ایران به خارج اختصاص دارد. او با استناد به گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس که در مهرماه ۱۳۹۲ منتشر شده، گفته است میزان وابستگی هر واحد تولید ناخالص داخلی ایران به خارج در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد پنج برابر شده است. به اعتقاد او، این روند در سال‌های بعد نیز با گسترش فقر، تعمیق نابرابری، وابستگی تولید ملی به واردات و گسترش فساد همراه بوده است.

این اقتصاددان همچنین به سهم بالای کالاهای واسطه‌ای در واردات کشور اشاره کرده است. بر اساس ارقامی که او در این جلسه مطرح کرده، وزن کالاهای واسطه‌ای در کل واردات ایران در سال‌های اخیر از ۸۵ درصد عبور کرده و به حدود ۹۰ درصد نزدیک شده است. در ظاهر، افزایش واردات کالاهای واسطه‌ای می‌تواند نشانه‌ای از فعالیت تولیدی بیشتر باشد؛ زیرا بنگاه‌ها برای تولید به مواد اولیه، قطعات و تجهیزات نیاز دارند. اما مومنی با طرح این پرسش که چرا هم‌زمان با بالا رفتن این سهم، تولید با افت مواجه شده است، نسبت به کیفیت و ماهیت بخشی از این واردات ابراز تردید کرده است.

او به بررسی‌هایی اشاره کرده که بر اساس آنها، بخشی از کالاهایی که با عنوان کالاهای واسطه‌ای وارد کشور می‌شوند، ممکن است در واقع کالاهای ساخته‌شده خارجی باشند که در کشور مبدأ به اجزای جداگانه تقسیم شده‌اند و سپس به‌صورت قطعات یا کالاهای واسطه‌ای وارد ایران می‌شوند. به گفته او، این شیوه می‌تواند با هدف استفاده از تفاوت حقوق گمرکی و سود بازرگانی انجام شود. در چنین وضعیتی، اگر صحت داشته باشد، نشان می‌دهد آمار واردات به تنهایی نمی‌تواند تصویر دقیقی از میزان فعالیت واقعی تولیدی ارائه کند.

مومنی همچنین به آمارهای مربوط به وضعیت تولید در بهار ۱۴۰۵ اشاره کرده و از منفی شدن رشد تولید و رسیدن آن به حدود منفی ۱۰ درصد و بیشتر سخن گفته است. او در کنار این موضوع، به کاهش استفاده بنگاه‌های صنعتی از ظرفیت تولیدی اشاره کرده و گفته است میزان استفاده از ظرفیت تولید بنگاه‌های صنعتی در پایان سال ۱۴۰۴ به ۳۴ درصد سقوط کرده است؛ به این معنا که بخش بزرگی از ظرفیت نصب‌شده کشور بلااستفاده مانده است. این ارقام، در صورت تأیید و بررسی دقیق، پرسش مهمی را پیش روی سیاستگذار قرار می‌دهند: چرا در شرایطی که کشور برای تأمین نیازهای خود به تولید داخلی نیاز دارد، بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های موجود بدون استفاده مانده است؟ پاسخ به این پرسش را نمی‌توان صرفا در کمبود سرمایه یا مشکلات واردات جست‌وجو کرد. کاهش تقاضای موثر، دشواری فروش محصولات، افزایش هزینه تولید، بی‌ثباتی سیاست‌ها و نااطمینانی اقتصادی نیز می‌توانند در این وضعیت نقش داشته باشند. از منظر معیشتی، ضعف تولید فقط یک مساله مربوط به بنگاه‌ها نیست. وقتی کارخانه‌ها با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند، احتمال کاهش اشتغال و درآمد نیروی کار افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، کاهش تولید داخلی می‌تواند وابستگی به واردات را بیشتر کند و اقتصاد را در برابر نوسانات نرخ ارز و محدودیت‌های تجاری آسیب‌پذیرتر سازد. بنابراین، حمایت از تولید در واقع بخشی از سیاست حمایت از معیشت مردم است؛ زیرا اشتغال پایدار و عرضه کافی کالاها دو عامل مهم در حفظ قدرت خرید خانوارها به شمار می‌روند.

بودجه سال آینده و ضرورت قرار دادن معیشت در مرکز تصمیم‌ها

شرایط اقتصادی کشور در آستانه تدوین بودجه سال ۱۴۰۶، ترکیبی از محدودیت منابع، فشارهای تورمی، افزایش قیمت ارز، رشد نقدینگی، چالش‌های تولید و پیامدهای جنگ است. دولت در ماه‌های گذشته ناچار بوده است هم‌زمان با این مشکلات، امور جاری کشور را نیز مدیریت کند. این واقعیت باید در ارزیابی عملکرد دولت مورد توجه قرار گیرد؛ اما دشواری شرایط، ضرورت برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای آینده را از میان نمی‌برد.

اکنون مساله اصلی این است که دولت چگونه می‌خواهد در سال آینده میان محدودیت منابع و ضرورت حمایت از مردم تعادل برقرار کند. آیا قرار است فشار تأمین منابع از مسیرهایی به اقتصاد منتقل شود که نتیجه آن افزایش تورم و کاهش قدرت خرید خانوارهاست یا سیاست‌گذار به دنبال اصلاح ساختار هزینه‌ها، افزایش درآمدهای پایدار، حمایت از تولید و کاهش زمینه‌های تورم خواهد بود؟

یکی از ضرورت‌های بودجه سال آینده، شفافیت در مورد وضعیت معیشت و فقر است. بدون انتشار آمار معتبر و قابل بررسی، امکان شناسایی دقیق گروه‌های آسیب‌پذیر و ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایتی وجود نخواهد داشت. در کنار آن، باید سیاست‌های ارزی و پولی به گونه‌ای طراحی شوند که از ایجاد شوک‌های جدید جلوگیری کنند. مدیریت نقدینگی، کاهش وابستگی بودجه به منابع تورم‌زا و پرهیز از تصمیم‌های ناگهانی در بازار ارز، می‌تواند به کاهش نااطمینانی و پیش‌بینی‌پذیرتر شدن فضای اقتصادی کمک کند.

از سوی دیگر، حمایت از تولید نباید به تخصیص منابع یا ارایه امتیازهای مقطعی محدود شود. اصلاح موانع کسب‌وکار، کاهش بی‌ثباتی مقررات، جلوگیری از امتیازهای غیرشفاف و ایجاد امکان فروش محصولات داخلی، از جمله موضوعاتی است که می‌تواند به افزایش استفاده از ظرفیت بنگاه‌ها و حفظ اشتغال کمک کند. تقویت تقاضای داخلی نیز باید در کنار سیاست‌های عرضه مورد توجه قرار بگیرد؛ چراکه تولیدکننده‌ای که امکان فروش محصول خود را ندارد، حتی با دسترسی به مواد اولیه و تجهیزات نیز نمی‌تواند فعالیت پایدار داشته باشد.

در نهایت، مهم‌ترین معیار موفقیت بودجه ۱۴۰۶ نباید صرفا میزان تحقق درآمدهای دولت یا توازن ظاهری ارقام آن باشد. آنچه اهمیت دارد، پیامدهای واقعی این سند بر زندگی مردم است: آیا تورم مهار می‌شود؟ آیا قدرت خرید خانوارها حفظ خواهد شد؟ آیا فرصت‌های شغلی موجود تقویت می‌شوند؟ آیا تولیدکنندگان می‌توانند با ظرفیت بیشتری فعالیت کنند؟ و آیا منابع عمومی به شکلی تخصیص می‌یابند که بیشترین اثر را بر کاهش فقر و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر داشته باشند؟

هشدارهای مطرح‌شده از سوی فرشاد مومنی درباره تداوم سیاست‌های بحران‌ساز، ضرورت اصلاح تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و توجه به برندگان و بازندگان سیاست‌ها، در همین چارچوب قابل ارزیابی است. مساله اقتصاد ایران صرفاً کمبود منابع نیست؛ چگونگی تخصیص منابع، کیفیت تصمیم‌ها و میزان توجه به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آنها نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای دارد.

دولت در شرایطی دشوار توانسته است اداره کشور را ادامه دهد؛ اما اکنون در آستانه سالی تازه، انتظار جامعه از سیاستگذاران فراتر از مدیریت روزمره بحران است. مردم به برنامه‌ای نیاز دارند که بتواند چشم‌انداز قابل اتکایی از وضعیت اقتصاد ارائه کند و نشان بدهد قرار است فشارهای معیشتی چگونه کاهش یابد. بودجه ۱۴۰۶ فرصتی برای بازنگری در اولویت‌ها و اصلاح مسیرهای ناکارآمد است. اگر این فرصت به تکرار سیاست‌های تورم‌زا و انتقال هزینه‌ها به خانوارها منجر شود، فشار اقتصادی می‌تواند در سال آینده نیز ادامه پیدا کند. اما اگر معیشت مردم، تولید و ثبات اقتصادی در مرکز تصمیم‌گیری قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود که بودجه سال آینده به ابزاری برای کاهش نااطمینانی و ترمیم بخشی از آسیب‌های اقتصادی تبدیل شود.

اقتصاد کلان

هزینه‌های بدهی کشورهای فقیر تر کورد ۳۷ ساله زد

بانک جهانی اعلام کرد بدهی خارجی اقتصادهای نوظهور در سال ۲۰۲۵ به رقم بی‌سابقه ۹.۴ تریلیون دلار رسید و بخشی از این افزایش ناشی از آن است که فقیرترین کشورها با هزینه‌های استقراضی مواجه شده‌اند که از دهه ۱۹۸۰ تاکنون سابقه نداشته است.

این نهاد مالی اعلام کرد که کشورهای کم‌درآمد - که واجد شرایط دریافت کمک‌های بلاعوض و تامین مالی ترجیحی (با شرایط آسان) هستند - در سال گذشته برای دریافت وام‌های جدید از بخش خصوصی به‌طور میانگین ۸.۲ درصد و برای انتشار اوراق قرضه جدید ۹.۴ درصد سود پرداخت کرده‌اند. برای کشورهای در حال توسعه‌ای که اقتصادهای قوی‌تری دارند، نرخ بهره اوراق قرضه جدید به‌طور میانگین ۵.۵ درصد بوده است. بانک جهانی که مقر آن در واشنگتن است، اعلام کرد برای بسیاری از ناشران اوراق قرضه در «بازارهای نوظهور نوپا»، دشواری اصلی در حال حاضر نه صرفا تامین مالی، بلکه «توانایی پرداخت» هزینه‌های اعتباری است که دریافت می‌کنند. طبق اعلام بانک جهانی، بخش عمده‌ای از افزایش بدهی خارجی در کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط (به‌جز چین) در سال ۲۰۲۵، ناشی از تامین مالی توسط بخش خصوصی بوده است و خالص جریان ورودی بدهی به حدود ۳۶۰ میلیارد دلار رسید. این وام‌دهنده جهانی افزود: جمهوری دموکراتیک کنگو در آوریل، برای نخستین بار اقدام به انتشار اوراق قرضه دلاری کرد و ۱.۲۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرد. این اوراق در دو دسته با نرخ‌های بازده ۸.۷۵ و ۹.۵ درصد عرضه شدند که «در میان بالاترین نرخ‌های بهره اوراق دولتی ثبت شده در سال ۲۰۲۶ تا به امروز» قرار می‌گیرند. آنگولا نیز تا اواسط ماه آگوست، بیش از دو برابر مبلغ ۲ میلیارد دلاری که سال گذشته فروخته بود، اوراق منتشر کرد؛ در حالی که اندونزی و فیلیپین نیز از حجم انتشار اوراق خود در سال ۲۰۲۵ فراتر رفتند. هایشان فو، مدیر ارشد آمار و داده‌های توسعه در بانک جهانی، در بیانیه‌ای گفت: «بازگشت وام‌دهی بخش خصوصی به کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط، تحولی مثبت است، اما این کشورها اکنون بیشتر وام می‌گیرند، هزینه بیشتری می‌پردازند و در بسیاری از موارد، منابع کمتری برای توسعه بلندمدت باقی می‌گذارند.» بانک جهانی خاطرنشان کرد بسیاری از دولت‌ها اوراق قرضه جدیدی منتشر می‌کنند تا بدهی‌های قبلی را باز خرید کرده یا بازپرداخت بدهی‌ها را در طول زمان توزیع کنند، بدون آنکه حجم کل بدهی‌هایشان به‌طور قابل توجهی کاهش یابد. در این گزارش آمده است: «زمانی که دولت‌ها با نیازهای مالی سنگین و فضای محدود برای واکنش مواجه هستند، جذب شوک‌های خارجی دشوارتر می‌شود.» دولت‌ها برای مدیریت تعهدات خود به عملیات پیچیده «مدیریت بدهی» و ساختارهای تامین مالی جایگزین روی آورده‌اند. این بانک خاطرنشان کرد که از سال ۲۰۲۴، استفاده از ابزاری موسوم به «سوآپ بازده کل» (Total Return Swap) در کشورهایی نظیر آرژانتین، کلمبیا، آنگولا، نیجریه و سنگال افزایش یافته و ارقام تامین مالی از طریق این روش، بین حدود یک میلیارد تا ۹.۳ میلیارد دلار امریکا متغیر بوده است. بر اساس گزارش بلومبرگ، این بانک افزود که اگرچه این سازوکارها می‌توانند دسترسی سریع به ارز خارجی را فراهم کنند، اما با ریسک‌های مربوط به وثیقه، تامین مالی مجدد (بازپرداخت بدهی از طریق دریافت وام جدید) و شفافیت همراه هستند.

ضربه سنگین نتیجه انتخابات امریکا به شرکت‌های ایلان ماسک

در پی عملکرد بهتر از انتظار دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا، ارزش سهام شرکت‌های سهام تسلا واس